

تمامِ وسعتِ دلتنگی ام پیام شده

تمامِ قافیه های غزل سلام شده

غروب یعنی، هر جا که پهنه ی دریاست؛

به دستِ لشکرِ خورشید قتل عام شده

فقط به آینه ی آسمان نگاه کن و

ببین دوباره دلم با تو هم کلام شده

به خطِ دخترمان می نویسم از باران؛

که در هوای تو بی تابِی اش مدام شده

ببین که نام دبستان تازه اش دریاست

اگرچه باز بدون تو ثبت نام شده

دوباره از تو کشیدیم و قبلِ هر رنگی؛

مداد آبی مان زودتر تمام شده

تو ماهِ اقیانوسی و سایه ات نور است
بمان که خواب به دزدان شب حرام شده

سکان به دست تو چرخید، اگر کسی پرسید؛
هجوم سرکش طوفان چگونه رام شده؟!

دوباره موج به ساحل کشانده عطرت را
و عمر دوری ات اینگونه بی دوام شده

به رقصِ بندری شانه ی تو بر عرشه؛
تمام اسکله ای غرقِ خنده هام شده...